وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

دانشکده روان‌شناسی
رشته راهنمایی و مشاوره
پایان‌نامه کارشناسی ارشد

نقش سطح تحصیلات، درآمد اقتصادی و جهت گیری مذهبی بر سن ازدواج در دختران و پسران

استاد راهنما:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا بنیانی

استاد مشاور:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباس آئینه‌چی

دانش‌پژوه
سیدرضا هاشمی شیخ شبانی

آبان ۱۳۹۹

بسم الله الرحمن الرحیم

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

دانشکده روان‌شناسی
رشته راهنمایی و مشاوره
پایان‌نامه کارشناسی ارشد

نقش سطح تحصیلات، درآمد اقتصادی و جهت گیری مذهبی بر سن ازدواج در دختران و پسران

استاد راهنما:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدرضا بنیانی

استاد مشاور:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباس آئینه‌چی

دانش‌پژوه
سید رضا هاشمی شیخ شبانی

آبان ۱۳۹۹

صورت جلسه دفاع پایان نامه:

بسمه تعالی

تعهدنامه اصالت پایاننامه

اینجانب **سیدرضا هاشمی شیخ‌شبانی** فرزند **سید منصور** متولد **۱۳۶۴** به‌شماره ملی **٤٦٢٣٦٤٨٧٨٨** صادره از **شهرکرد** به شماره دانش‌پژوه **٩٥١١١٠٠٦** رشته **راهنمایی و مشاوره** متعهد می‌شوم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این زمینه از آنها استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایاننامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم‌سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف(در هر زمان)مدرک تحصیلی صادرشده توسط مؤسسه از اعتبار ساقط خواهد شد.

نام و نام خوانوادگی دانش پژوه

امضا

حقوق مادی و معنوی پایاننامه

چاپ و انتشار پایاننامه های تحصیلی دانش پژوهان مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت بیانگر بخشی از فعالیتهای علمی- پژوهشی مؤسسه است .

اینجانب **سیدرضا هاشمی شیخ شبانی** دانش‌پژوه رشته **مشاوره راهنمایی** مقطع کارشناسی ارشد، متعهد میگردم موارد ذیل را در خصوص حقوق مادی و معنوی پایان‌نامه ام با موضوع:

"نقش سطح تحصیلات، درآمد اقتصادی و جهت گیری مذهبی بر سن ازدواج در دختران و پسران"

رعایت نمایم و در صورت تخلف از موارد ذیل، کلیه تبعات حقوقی آن بر عهده اینجانب خواهد بود:

۱. در صورت اقدام به چاپ پایاننامه، مراتب را قبلاً به صورت کتبی به معاونت پژوهش مؤسسه اطلاع دهم و در صورت تمایل مؤسسه به چاپ پایاننامه به صورت کتاب، اولویت با مؤسسه خواهد بود.

۲. در صورت موافقت معاونت پژوهش با چاپ پایاننامه به صورت کتاب توسط دانشپژوه، در صفحه سوم کتاب(پس از برگ شناسنامه)عبارت ذیل چاپ گردد:

کتاب حاضر حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته ..... است که درسال .....در مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت به راهنمایی آقای حجت الاسلام دکتر بنیانی و مشاوره آقای حجت الاسلام دکتر اسلامی از آن دفاع شده است.

۳. به‌منظور غنی‌سازی منابع و مآخذ کتابخانه مؤسسه، دو نسخه از آن به کتابخانه و دو نسخه نیز جهت بهره‌برداری به معاونت پژوهش اهدا خواهد شد.

نام و نام خوانوادگی دانش پژوه

امضا

تقدیم

قال رسول الله صلَی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «أنا و علی ابوا هذه الامهٔ»

تقدیم به پدران معنوی این امت، ستارگان تابناک رسالت و امامت؛ محمد مصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلَم) و علی مرتضی (علیه‌السلام) و مادران بزرگوار و فداکار اسلام؛ حضرت خدیجه کبری و فاطمه زهرا (سلام‌اللَه‌علیهما) که تا ابد نور وجودشان روشنی بخش عالم هستی است و تقدیم به منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) و تقدیم به کریمه اهل بیت؛ حضرت فاطمه معصومه (سلام‌الله‌علیها) که ریزه‌خوار سفره‌ی کرامت و لطفشان هستیم.

تقدیر و تشکر

از استاد ارجمند، **جناب آقای حجت الاسلام و المسلمین دکتر بنیانی** که با راهنمای‌های ارزشمند و بی‌دریغ خود، نقشی بی‌بدیل در تدوین این تحقیق داشتند، همچنین از **استاد بزرگوار حجت الاسلام و المسلیمن دکتر اسلامی** که از مشاوره‌های ایشان بهره برده‌ام، کمال تشکر و سپاس را دارم.

از استاد داور محترم که زحمت داوری این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند، کمال سپاس‌گزاری را دارم.

از پدر و مادر مهربانم که زمینه رشد و بالندگی مرا فراهم نموده‌اند و از همسر گرامی و فداکارم یاد می‌کنم؛ همو که مهربانی، صبر و معرفت او محیطی سرشار از سلامت، امنیت، آرامش و آسایش برای من فراهم آورده‌است و مرا در راه رسیدن به اهداف عالی یاری می‌رساند. و همچنین از فرزندان دلبندم، گلهای بهشتی زندگی‌ام که چشم امید من هست، قدردانی می‌کنم.

در پایان از تمام عزیزانی که با مساعدت‌های ارزشمندشان در این پژوهش مرا یاری نموده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم و از درگاه خداوند منان، سلامتی و توفیق روز افزون همگان را خواهانم.

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سطح تحصیلات، درآمد اقتصادی و جهت گیری مذهبی بر سن ازدواج در دختران و پسران انجام شد. روش پژوهش از نظر هدف تحقیقات، کاربردی در مقابل بنیادی و به لحاظ شیوه جمع آوری اطلاعات، توصیفی – پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش ٦٥٠ دختر و پسر مزدوج در بین سال‌های ۱۳۹۲–۱۳۹۷در شهرستان بن در استان چهارمحال و بختیاری می‌باشد و نمونه آماری آن، ۱۷۹ نفر بودند که بر اساس جدول مورگان به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی با تأکید بر منابع اسلامی (آذربایجانی، ۱۳۸۰) وفرمهای سنجش سن ازدواج، سطح تحصیلات و درآمد اقتصادی طراحی شده توسط محقق(۱۳۹۸)است.

یافته‌های پژوهش نشان داد درآمد اقتصادی بر افزایش سن ازدواج در دختران و پسران تأثیر مثبت دارد. و اعتقاد و التزام به مذهب و جهت گیری مذهبی باعث کاهش سن ازدواج می‌شود. و اما سطح تحصیلات بر افزایش سن ازدواج تأثیر مثبت ندارد. نتیجه این است عوامل اقتصادی پیش‌بینی کننده برای افزایش سن ازدواج و جهت‌گیری مذهبی عامل کاهش سن ازدواج محسوب می‌شود و سطح تحصیلات پیش‌بینی‌کننده افزایش سن ازدواج محسوب نمی‌شود.

واژگان کلیدی: سن ازدواج، درآمد اقتصادی، جهت‌گیری مذهبی، سطح تحصیلات، دختران و پسران، عامل افزایش

فهرست

فصل اول:کلیات و مفاهیم ۷

مقدمه فصل..... ۲

۱-۱. بیان مسأله..... ۲

۱-۲. اهمیت تحقیق..... ۸

۱-۳. پرسشهای اصلی و فرعی پژوهش..... ۱۰

3-1-1. پرسش اصلی..... ۱۰

۱-۱-۳. پرسشهای فرعی..... ۱۰

۱-٤. فرضیه ۱۱

۱-۱-٤. فرضیه اصلی ۱۱

۱-۱-٤. فرضیههای فرعی..... ۱۱

5-1. اهداف تحقیق..... ۱۱

۱-۱-٥. هدف اصلی..... ۱۱

۱-۱-٥. اهداف فرعی..... ۱۱

6-1. تعریف مفهومی وعملیاتی..... ۱۱

۱-۱-٦. سن ازدواج..... ۱۱

۱-۱-٦. سطح تحصیلات ۱۲

۱-۱-٦. درآمد اقتصادی ۱۲

۱-۱-٦. جهتگیری مذهبی ۱۲

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش..... ۱۳

مقدمه فصل..... ۱۳

۲-۱. تعاریف ازدواج ۱۳

۲-۲. کارکردهای ازدواج ۱٤

۲-۲-۱. آرامش وامنیت خاطر ۱۵

۲-۲-۲. کنترل غریزه جنسی ۱۷

۲-۲-۳. فرزندآوری و بقای نسل ۱۸

۲-۲-٤. احساس مسؤلیت اجتماعی و رشد شخصیت ۱۸

۲-۲-۵ .افزایش روزی ۱۸

۲-۲-۵-۱ .افزایش روزی مادی ۱۹

۲-۲-۵-۲. افزایش روزی معنوی ۱۹

۲-۳. سن ازدواج ۲۰

۲-٤. مبانی نظری بالا رفتن سن ازدواج ۲۲

۲-٤-۱. نظریه‌های اقتصادی ۲۲

٤-۲. نظریه‌های جمعیت شناختی ۲۲

۲-٤-۳. نظریههای جامعه شناختی ۲۳

۲-٤-٤. نظریه نوسازی ۲۳

۲-۵. عوامل بالا رفتن سن ازدواج ۲٤

۲-۵-۱. نگرش منفی به ازدواج ۲٤

۲-۵-۱-۱. وجود مشکلات روحی و روانی ۲٤

۵-۱-۲. عدم آموزش و ناآگاهی ۲۵

۲-۵-۱-۳. تجربیات زندگی ۲۵

۲-۵-۱-٤. انتخاب وسواسگونه ۲۵

۲-۵-۱-۵. وقوع انحرافات اجتماعی ۲٦

۵-۲. آزادی روابط دختر و پسر ۲٦

۵-۳-. تغیر سبک زندگی ۲۸

۲-۵-۳-۱. فرد گرایی ۲۸
۵-۳-۲-. اشتغال زنان ۲۹
۲-۵-۳-۳. آرمانگرایی ۳۰
۲-۵-۳-٤. گسترش شهر شینی ۳۱
۵-٤-. ادامه تحصیلات ۳۱
۲-۵-۵. درآمد اقتصادی ۳۳
۲-۵-۵-۱. بیکاری ۳۳
۲-۵-۵-۲. بالا بودن هزینه مسکن و تهیه جهیزیه ۳۵
۲-۵-۵-۳. تورم ۳٦
6-5-2. جهت گیری مذهبی ۳۷
۲-۵-٦-۱. تعاریف مذهب ۳۷
۲-۵-٦-۲. تعاریف جهتگیری مذهبی ۳۸
۲-٦-۵-٤-تأثیر جهتگیری مذهبی بر سن ازدواج: ٤۵
۲-۷. پیشینه پژوهش ٤۹
۲-۷-۱. پژوهشهای داخلی ٤۹
۲-۷-۲. پژوهشهای خارجی ۵۸
فصل سوم: روش تحقیق و اجرای پژوهش ٦۷
مقدمه ٦۷
۳-۱. روش تحقیق ٦۷
۳-۲. جامعه آماری ٦۷
۳-۳. حجم نمونه ٦۸
۳-٤. روش نمونه‌گیری ٦۸
۳-۵. ابزار پژوهش ٦۸

۳-٦. روش تجزیه و تحلیل دادهها ۷۰

۳-۸. روش گردآوری دادهها ۷۰

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش ٦۷

مقدمه ٦۷

٤-۱-آمار توصیفی متغیرهای جمعیتشناختی تحقیق ٦۷

۱-۱-٤. جنسیت ٦۷

۲-۱-٤. سن ٦۹

۳-۲-٤. میزان تحصیلات پاسخدهندگان ۷۱

٤-۲-٤. توان اقتصادی پاسخدهندگان ۷۲

۳-٤- آزمون نرمال بودن داده‌ها (آزمون کولموگراف-اسمیرنوف (K-S)) ۷٤

٤-٤. آزمون فرضیات تحقیق ۷۵

۱-٤-٤. آزمون رگرسیون ..... **Error! Bookmark not defined.**

فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری ٦۷

مقدمه ۸۹

۱-۵. نتایج پژوهش ۸۹

۵-۲. کاربرد پژوهش ۹۱

۳-۵. محدودیت‌های پژوهش ۹۲

٤-۵. پیشنهادها ۹۲

۵-۵. منابع ۹٤

فهرست جداول

1-4-جدول فراوانی گروه*های جنسی پاسخ دهندگان*.....۷۳

٤-۲-جدول فراوانی گروه‌های سنی پاسخ دهندگان.....۷۵

٤-۳-جدول فراوانی گروهای تحصیلی پاسخ دهندگان.....۷۷

٤-٤-جدول توان اقتصادی گروه‌های پاسخ دهندگان.....۷۸

٤-٥-آزمون کولموگراف- اسیمیرئوف.....۸۰

٤-٦-جدول تحلیل واریانس متغیر سطح تحصیلات.....۸۱

٤-۷-جدول تحلیل واریانس متغیر توان اقتصادی.....۸۱

٤-۸- جدول تحلیل واریانس متغیر جهت گیری مذهبی.....۸۲

٤-۹-ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعین.....۸۲

٤-۱۰-آزمون دوربین- واتسون.....۸۳

٤-۱۱-نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره.....۸٤

٤-۱۲-میزان همبستگی بین سطح تحصیلات و سن ازدواج.....۸٥

٤-۱۳- میزان همبستگی بین درآمد اقتصادی وسن ازدواج.....۸٥

٤-١٤- میزان همبستگی بین جهت گیری وسن ازدواج.....

فهرست نمودارها

٤-١-نمودار فراوانی گروه‌های جنسیتی پاسخ دهندگان ۷٤

٤-۲-نمودار درصد فراوانی گروه‌های جنسیتی پاسخ دهندگان ۷٤

٤-۳-فراوانی گروه‌های سنی پاسخ دهندگان ۷٦

٤-٤-نمودار درصد فراوانی گروه‌های سنی پاسخ دهندگان ۷٦

٤-٦-درصد فراوانی گروه‌های تحصیلی پاسخ دهندگان.....۷۷

٤-٧-فراوانی توان اقتصادی پاسخ دهندگان ٧٩

فصل اول:
کلیات و مفاهیم

مقدمه فصل

در این فصل کلیات پژوهش مانند بیان مساله، بیان پرسش‌های اصلی وفرعی، فرضیه‌های پژوهش، اهمیت وضرورت، اهداف پژوهش، تعریف مفهومی وعملیاتی واژه‌های اصلی پژوهش را بیان می‌کنیم .

۱-۱. بیان مسأله

ازدواج به عنوان یک سنت دیرپای حسنه در کلام الهی، به وجودآورنده مطمئن‌ترین و آرام‌بخش‌ترین رابطه‌ها و آغازگر زندگی همراه با طراوت، مودت و ایثار است. از سوی دیگر ازدواج به عنوان یک امر مقدس و به عنوان یکی از اساسی‌ترین راهکارهای ارضای غریزه جنسی می‌تواند در رأس ارزش‌ها قرار گیرد. زیرا عفت، پاکدامنی و خویشتن‌داری و به طور کلی سلامت جامعه جز در بستر ازدواج مناسب و صحیح امکان‌پذیر نیست (شرفی، ۱۳۸۷). ازدواج در واقع یکی از پیچیده‌ترین روابط اجتماعی میان دو جنس مخالف در جهان طبیعت می‌باشد که دارای ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی است. به همین دلیل مورد توجه علومی چون تاریخ، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، حقوق، اقتصاد، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت، فلسفه، زیست‌شناسی قرار گرفته است (حبیب‌پور، ۱۳۹۰). ازدواج پیوند بین دو جنس برپایه روابط جنسی محسوب می‌شود .ازدواج مستلزم انعقاد قرارداد اجتماعی است که مشروعیت روابط جسمانی را موجب می‌گردد (ساروخانی، ۱۳۸۵).

در جوامع گذشته پسران و دختران با رسیدن به سن بلوغ یا کمی پس از آن اقدام به ازدواج می‌کردند و مجرد ماندن یک رفتار نابهنجار محسوب می‌شد (رجبی، ۱۳۸٦). اما تحولات اقتصادی، اجتماعی، علمی و ایدولوژی (برابری، آزادی، مطرح شدن فردیت)، وقوع انقلاب صنعتی و شکل‌گیری مدرنیته در غرب تحولات اساسی را در جهان بوجود آورد. وقوع مدرنیته و تحت تأثیر آن مدرنیزه شدن نهادهای اجتماعی همچون خانواده را تحت تأثیر قرار داد و باعث شد خانواده گسترده دوران کشاورزی به خانواده هسته‌ای تغیر شکل دهد. بر این اساس ازدواج نیز به عنوان مبنای تشکیل خانواده دچار تغیر و تحول شد و اموری همچون تأخیر در سن ازدواج، کاهش عمومیت ازدواج، گسترش روابط آزاد بین دختر و پسر و بالا رفتن تجرد قطعی در این زمینه بوجود آمد (شرفی، ۱۳۸۷). افزایش سن ازدواج ابتدا در کشورهای اروپایی اتفاق افتاد و سپس در قرن بیستم به کشورهای در حال توسعه هم سرایت کرد (محمودیان، ۱۳۸۳).

میزان کلی اولین ازدواج در اروپا از سال‌های ۱۹٦۵-۱۹۷۰ شروع به تغیر کرد و در مدت ۲۰ تا ۲۵سال بین ۳۰ تا٤۰ درصد کاهش پیدا کرد (سرایی، ۱۳۹۲). در آمریکا نیز از اواسط دهه ۱۹٦۰ به طور محسوس سن

ازدواج افزایش پیدا کرد. بدین صورت که نسبت افراد ازدواج کرده در این کشور در سال ۱۹٦۰ برابر با ۷۸ درصد بود که در سال ۲۰۰۰ به ۵۰ درصد رسید و در سال ۲۰۰۵ به کمتر از ۵۰ درصد کاهش یافت (حبیب پورگتانی، ۱۳۹۰).

روند کاهش میزان ازدواج و به تبع، بالا رفتن سن ازدواج تحت تأثیر این موج به کشورهای دیگر نیز رسید. به طور مثال در کشورهای توسعه یافته آسیایی مثل ژاپن، کره، تایوان، چین، مالزی، تایلند افزایش چشمگیری رخ داد (عسگری ندوشن، شاطریان و شفایی مقدم، ۱۳۹۵). این روند تا جایی پیش رفت که امروزه در بعضی جوامع غربی جوانان به کلی از ازدواج سرزده و آن را مانعی برای آزادی‌های خود قلمداد می‌کنند. متأسفانه این فرهنگ جوامع اسلامی را تحت تأثیر قرار داده است (رجبی، ۱۳۸٦). با مراجعه و توجه به آمار در طول سال‌های اخیر تغییرات در نهاد خانواده و بالتبع تغیرات در سن ازدواج را می‌توان در کشورمان مشاهده کرد. وعوارض آن را به صورت محسوس مورد پیگیری قرار داد.

طبق آماری که از سوی مرکز آمار ایران منتشر شده، میانگین سن ازدواج در اولین ازدواج برای کل کشور در سال ۱۳۵۵ برای مردان برابر با ۲٤/۱ و برای زنان ۱۹/۷ و در سال ۱۳٦۵ برای مردان ۲۳/۸ و برای زنان ۱۹/۹ سال بوده است. این میانگین در سال ۱۳۷۵ برای مردان ۲۵/٦ و برای زنان ۲۲/٤ و در سال ۱۳۹۰ برای مردان ۲٦/۷ و برای زنان ۲۳/٤ رسیده و همچنین در سال ۱۳۹٤ این وضعیت برای مردان برابر ۲۸/۵ و برای زنان ۲۳/۸گزارش شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). طبق آخرین آمار که ثبت احوال منتشر کرد است میانگین سن ازدواج در سال ۱۳۹٦ برای مردان ۲۸/۱۱ و برای دختران ۲٤ سال بوده است. این آمار بیانگر بالا رفتن سن ازدواج در پسران و دختران است.

هر چند ازدواج برای دختر و پسر امری فطری و غریزی است و هر زمان این غریزه و فطرت بیدار شود و رشد عقلی و اجتماعی اتفاق بیفتد این زمان، زمان ازدواج آن شخص است. کارشناسان به علت تفاوت‌های اجتماعی و فردی یک زمان مشخصی را برای ازدواج بیان نمی‌کنند. معیار این است که ازدواج فرد می‌بایست نه آنقدر زود اتفاق بیفتد که صرفا مبتنی بر غرائز جنسی باشد و رشد عقلی و اجتماعی در فرد شکل نگرفته باشد، نه آنقدر دیر که منجر به اختلالات روانی و یا حتی آسیب‌های اجتماعی گردد (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳).

آن چه امروز در میان جوانان به صورت یک چالش اصلی در آمده است، افزایش سن ازدواج آنان است. جوانانی که ازدواج نمی‌کنند، جوانانی که فرصت ازدواج نمی‌یابند، جوانانی که به خاطر سنت غلط اجتماعی مجبور به خانه‌نشینی هستند و همچنین جوانانی که دوست دارند مدت زیادی از عمر خود را مجرد باشند.

این مسائل و عوامل دیگر دست به دست هم داده‌اند و پدیده ازدواج را به صورت یک مسأله در آورده‌اند (آرامکی، ۱۳۸٦).

بالا رفتن سن ازدواج یعنی میزان عقب افتادن سن مطلوب ازدواج جوانان در جامعه، بر حسب متغیرهای کمی سال‌ها و یا متغیرهای کیفی میزان تأخیر سن ازدواج (کم، متوسط، زیاد) قابل محاسبه و بررسی است (اسکندری، ۱۳۸۸).

بعد از بلوغ، نیاز جنسی و میل به جنس مخالف در دختران و پسران بیدار می‌شود. با در نظر گرفتن قدرت نیاز جنسی، شاهدیم بین بلوغ و میانگین سن ازدواج فاصله زیادی وجود دارد (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸). جوان‌ها در جامعه کنونی باید در این فاصله (بین بلوغ و سن کنونی ازدواج) یا این نیاز قوی را سرکوب کنند و یا اینکه این نیاز در بستر غیر قانونی ارضا شود. هر دو موارد می‌تواند آسیب‌هایی را برای جوان و جامعه بوجود بیاورد. بین افزایش سن ازدواج و انحرافات اخلاقی رابطه دو سویه برقرار است (شجاعی، ۱۳۸۸). کاهش زاد و ولد، فسادها و آسیب‌های اجتماعی چون فرار از خانه یا بوجود آمدن افسردگی، بد اخلاقی‌های رفتاری در روابط بین فردی، خشم‌های مکرر و آسیب‌زا از پیامدهای مجرد ماندن دختران و پسران و نادیده گرفتن نیازهایی است که بواسطه ازدواج تامین می‌شود (توده فلاح وکاظمی‌پور، ۱۳۸۹). همچنین تحقیقات نشان می‌دهد بالا رفتن سن ازدواج با آسیب پذیری جنسی، افزایش اضطراب و فشارهای عصبی، اختلالات رفتاری، تغیر الگوها و هنجارهای ازدواج، افزایش فسادهای اخلاقی با گرایش به جرائم و اعتیاد و مصرف الکل (فضل‌الهی، ۱۳۹۷) ارتباط دارد. که این موارد می‌تواند خانواده‌های دیگر را نیز درگیر کند و بر زندگی آنها تأثیر بگذارد.

عدم توجه به ازدواج در کشورهای صنعتی باعث روی آوردن به الگوهای غیرمتعارف شده است. امروزه خانواده‌های تک والدینی به یکی از جنبه‌های دائمی و قابل توجه جوامع تبدیل شده است. تغیر الگوی مرسوم زن و مرد نظیر خانواده‌های بدون پدر یا مادر، فرزندان بدون سرپرست یا زندگی مشترک بدون پیوند ازدواج نمونه‌ای از این الگوهاست. به طور مثال خانواده‌های بدون پدر افزایش یافته است. در حالی که در دهه ۱۹٦۰ در همه کشورها هم خانگی امری نادر بوده است. امروزه در سرتاسر اروپا و امریکا به خصوص در میان نسل جوان به طرز چشمگیری در حال پذیرش و افزایش است. برای مثال در آمریکا در در دهه ۱۹۸۰ یک میلیون و پانصد هزار زوج در قالب هم خانگی زندگی می‌کردند در حالی که طبق آمار ۲۰۱۰بیش از هفت میلیون زوج (۱٤میلیون نفر) در آمریکا در قالب هم خانگی با هم زندگی می‌کنند (سفیری، ۱۳۹۷).

هر چند ایران در قبال تغیرات جهانی به صورت منفعل نبوده است و خیلی از ارزش‌ها هنوز هم وجود دارند و ایران کاملا شبیه جوامع مدرن و متفاوت با گذشته خود نشده است. اما ارزش‌های خانواده در ایران از جمله ازدواج، امروز بیش از پیش در معرض تغیر و دگرگونی‌اند. امروزه الگوهای خانواده بسیار متنوع شده و تجربه‌های افراد در امور و روابط جنسی بیش از پیش گسترده شده است (مرحمتی، ۱۳۹۳). ضرورت توجه به سن ازدواج، به جهت اینکه حدود یک‌سوم جامعه ایرانی یعنی بیش از ۲٤ میلیون نفر را جمعیت جوان بین ۲۰ تا۳۵ سال تشکیل می‌دهد (آقاسی وفلاح مین‌باشی، ۱۳۹٤) بیشتر احساس می‌شود. تا از رواج مشکلات ناشی از عدم ازدواج یا بالا رفتن سن ازدواج مانند انحرافات اخلاقی جلوگیری شود. و مانند کشورهای غربی با رواج الگوهای غیرمتعارف خانواده و به تبع جامعه دچار بحران نشود. توجه به مسأله ازدواج جوانان، شناسایی عوامل بالا رفتن سن ازدواج، تلاش برای حل مشکلات جوانان، مهیا کردن زمینه‌ها برای ازدواج به موقع در حقیقت قدم‌هایی است برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی که برای داشتن جامعه سالم و مهیا کردن محیطی برای رشد، ضروری و با اهمیت است. توجه به ازدواج به موقع برای استمرار ارزش‌ها، اصلاح الگوهای غلط و انحرافات در جوامع مدرن امری ملموس و محسوس است. به عنوان نمونه یک پژوهش ملی در آمریکا نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها معتقدند تقویت نظام خانواده برای آینده آمریکا اهمیت حیاتی دارد و باید اولویت نخست رهبران سیاسی باشد. ۹۲۰ نفر از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی قائلند خانواده محور جامعه است. این در حالی است که آنها معتقدند که خانواده در این کشور آنچنان که باید نیرومند نیست (سرویان، ۱۳۸۳).

هرچند نمی‌توان در آموزه‌های دینی سن مشخصی را برای ازدواج تعین کرد، اما احادیث منقول و سیره عملی معصومین علیهم السلام شاهد گویایی بر اهتمام ایشان در تعجیل و عدم تأخیر در امر ازدواج است. افزون بر این تجرد و تأخیر در امر ازدواج در بعضی روایات مردود دانسته شده و تأکید شده است هیچ چیز، حتی فقر نباید موجب تأخیر در ازدواج شود[۱] (مجلسی، ۱٤۰۳ج۱۰۰، ص۲۱۷). در اسلام تشویق به ازدواج شده است. و بهترین شفاعت‌ها (میانجیگری‌ها) را در امر ازدواج می‌داند[۲] (حرعاملی، ۱٤۱٦، ج۱٤، ص ۲۷). در بسیاری از روایات معصومین علیهم‌السلام نیز از تجرد و رهبانیت نهی شده است[۳] (همان) آثاری همچون بزرگداشت

---

[۱]-قال الصادق (ع) من ترک التزویج مخالفه العلیه فقد اساء الله الظن بربه

[۲] –عن الصادق (ع) افضل الشفاعات ان تشفع بین اثنین فی النکاح حتی یجمع الله بینهما

[۳] –ابی عبد الله (ع) قال نهی الرسول الله (ص) النساء ان یبتلین و یعطلن انفسهن من الازواج

سنت[۱] پیامبر اکرم (ص) (حر عاملی، ١٤١٦، ج ٢٠، ص ٤٤) زیاد شدن روزی[۲] (همان) حفظ و کامل شدن ایمان جوان[۳] (مجلسی، ١٤٠٣، ج١٠، ص٩٣) زیاد شدن ثواب عبادت از برکات ازدواج شمرده شده است[٤] (همان، ج١٠٣، ص٢١٧). همچنین در روایت دیگر بهترین سن ازدواج دختران، ابتدای سن بلوغ دانسته شده است (همان، ج ١٦ ص٢٢٣). در روایت دیگر امام رضا (ع) سفارش به تعجیل در امر ازدواج دختران کرده و می‌فرمایید: «جبرئیل امین بر پیامبر نازل شد وعرض کرد ای محمد پروردگارت بر تو سلام می‌رساند. و می‌فرمایید دختران باکره مانند میوه درختان هستند. همانگونه که میوه وقتی می‌رسد، چاره‌ای جز چیدن ندارد و گرنه تابش خورشید و وزش باد آن را فاسد می‌کند، دختران باکره هم وقتی به سن بلوغ و ازدواج می‌رسند، چاره ای جز ازدواج ندارند وگرنه از گرفتار شدن به فتنه و انحراف در امان نیستند. [٥] (حرعاملی، ١٤١٦، ج ٢١، ص ٤٨٢). بنابراین، اسلام الگوی مطلوب ازدواج را پائین بودن سن ازدواج می‌داند و تأخیر در ازدواج نکوهیده‌ای است که مقبول اسلام نیست.

عوامل مختلفی موجب بالا رفتن سن ازدواج وتآخیر در ازدواج شده است. گسترش و همگانی شدن امکان تحصیل یکی از ره‌آوردهای مهم مدرنیته است که بر سن ازدواج تأثیر می‌گذارد. دختران و پسران تلاش می‌کنند مدارج علمی را طی کنند و ازدواج را مانعی برای رسیدن به این هدف می‌دانند. برای زنان با تحصیلات بالا امکان حضور فعال در جامعه مهیا می‌شود. در نتیجه آنها برای خود موقعیت مشابه با مردان را طلب می‌کنند و برای آنها یافتن همسری که بتواند این موقعیت مورد انتظار را به رسمیت بشناسد و در حفظ وتداوم آن بکوشد چندان ساده نیست (محمودیان، ١٣٨٣). زنانی که تحصیلات بالاتری دارند می‌توانند با مردانی ازدواج کنند که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردارند. دارا بودن تحصیلات باعث می‌شود آنها ازدواج را تا بدست آوردن همسری که در تحصیلات شبیه آنها باشد به تأخیر بیندازند. چون این نگرش قالبی در جامعه وجود دارد که باید سطح تحصیلات مرد بالاتر از همسر باشد (کاظمی‌پور، ١٣٨٣).

---

[۱] –قال رسول الله (ص) النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی

[۲] –قال ابو عبد الله (ع) الرزق مع النساء و العیال

[۳] –قال رسول الله (ص) من تزوج فقد احرز نصف دینه

[٤] عن ابی عبد الله (ع) رکعتان یصلیها متزوج افضل من سبعین رکعه یصلیها غیر متزوج

[٥] عن الرضا (ع) قال نزل جبرئیل علی النبی (ع) فقال یا محمد ان ربک یقرئک السلام و یقول ان الابکار من النساءبمنزله اثمر علی الشجر فلا دواء الا اجتبائه و الا افسدته الشمس و غیرته الریح و ان الابکار اذا ادرکن ما یدرک انساءفلا دواء لهن الا البعول و الا لم یومن علیهن الفتنه

در مردان تحصیلات و طی کردن دوره سربازی مقدمه بدست آوردن شغل است. کسب مدارج عالی علمی امکان دستیابی به شغل مناسب را بالاتر می‌برد. پسران بعد از طی کردن دوره طولانی تحصیلات، سربازی و پیدا کردن شغل به فکر ازدواج می‌افتند. این امور به بالا رفتن سن ازدواج در پسران می‌شود دامن زده است. از طرف دیگر، با توجه به شهرنشینی شاهد ایجاد الزام‌های برای خانوادها جهت برگزاری مراسم پرخرج و تشریفاتی ازدواج می‌باشیم. از طرف دیگر وجود تورم و افزایش قیمت‌ها و افزایش بیکاری جوانان، عدم امنیت شغلی باعث شده است که تعداد زیادی از جوانان که قدرت برگزاری مراسم سنگین ازدواج را ندارند، ازدواج خود را به تأخیر بیندازند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳). مسائل اقتصادی بعد از ازدواج همچون رهن، اجاره، خرید مسکن، بارداری، تربیت فرزند و ده‌ها مسأله اقتصادی دیگر نیز بر بی‌انگیزگی مردان در امر ازدواج دامن می‌زند. اما در خانم‌ها هزینه‌های همچون تهیه جهیزیه با توجه به تجمل‌گرایی و چشم و هم چشمی موجود در جامعه بر بی‌انگیزگی دختران و خانواده ها در امر ازدواج دامن زده است. از طرف دیگر زنان با درآمد اقتصادی مناسب به استقلال مادی رسیده‌اند و مزایای اقتصادی، اشتغال، امنیت و رضایت شخصی بیشتری در مقایسه با ازدواج برایشان فراهم می‌آورد. به همین خاطر به اهداف شغلی بیشتر از ازدواج اهمیت می‌دهند که این امر باعث امتناع یا تأخیر در ازدواج می‌شود (بستانی، ۱۳۸۳).

از جمله عوامل دیگر تأثیرگذار در بالا رفتن سن ازدواج، جهت‌گیری مذهبی می‌باشد. جهت گیری مذهبی عبارت است از عملکرد فرد، بر اساس باورهای دینی خود. انسان با جهت‌گیری مذهبی نگاه ارزشی و مقدس به پدیده ازدواج دارد و آن را همانگونه که پدیده مهم در زندگی می‌داند، عملی مقدس جهت تکمیل دین و عاملی برای سعادت دنیوی و اخروی می‌داند. در حقیقت جهت گیری مذهبی نگاه متعالی به پدیده ازدواج را باعث می‌شود نگاهی که به سبب مدرنیته کم رنگ شده است. و نگاه به ازدواج به نگاهی مادی صرف تبدیل شده است. همچنین در حوزه رفتار جهت‌گیری مذهبی رفتار انسان را جهت می‌دهد پژوهش‌های موحدی (۱۳۸۵)، وثوقی (۱۳۸٤)، یوسفی (۱۳۸٦) نشان می‌دهد ارزش‌های دینی بالاترین قدرت تبیین‌کنندگی را درباره دوستی‌ها و معاشرت‌های قبل از ازدواج دارند. توجه به اخلاق یکی از ابعاد جهت‌گیری مذهبی است (آذربایجانی، ۱۳۸۰). انسان ملتزم و معتقد به جهت‌گیری مذهبی از اخلاق جنسی تبعیت می‌کند که مبتنی بر عفاف، حجب و حیاء است. به همین دلیل خداوند یکی از نشانه‌های مؤمن را التزام به اخلاق جنسی می‌داند. [۱] انسان معتقد به مذهب به حکم دین برقراری رابطه جنسی را در قالب ازدواج مجاز می‌داند و سایر

[۱] –والذین هم لفروجهم حافظون (مومنون، ۵)

ارتباط‌ها را در هر قالبی خارج از حدود الهی و غیر قابل قبول می‌داند بر این اساس این پژوهش به بررسی نقش سطح تحصیلات، درآمد اقتصادی و جهت گیری مذهبی در بالا رفتن سن ازدواج در دختران و پسران می‌پردازد.

۱-۲. اهمیت تحقیق

توجه به ازدواج به موقع، فراهم آوردن ارضا نیازهای جنسی و عاطفی در بستر قانونی و شرعی است. و این امر می‌تواند از آسیب‌های اجتماعی و فردی جلوگیری کند. به همین دلیل سن ازدواج یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی یک جامعه محسوب می‌شود (مرادی و صفاری، ۱۳۹۱). عدم توجه به ازدواج به موقع آسیب‌های فردی و اجتماعی مانند ناباروری، بوجود آمدن مشکلات بعد از ازدواج، وسواس یا بی‌دقتی در انتخاب همسر، بوجود آمدن تعارضات زناشویی و گسترش طلاق، تأثیر بر کیفیت زناشویی، فرار از خانه، بی‌هدفی و مهم‌تر از همه گسترش فساد و انحراف در جامعه را سبب می‌شود.

۱- ناباروری: از علل مهم ناباروری، افزایش سن زن و مرد است. با افزایش سن، ذخایر غدد تناسلی رو به کاهش می‌روند و از میزان تخمک‌های سالم بانوان و اسپرم‌های سالم و فعال آقایان کاسته می‌شود. اکثریت قریب به اتفاق افراد، چنانچه به موقع و در زمان جوانی اقدام به ازدواج و فرزندآوری کنند صاحب بچه خواهند شد. و این احتمال با افزایش سن کاهش می‌یابد. کاهش شدید باروری به ویژه در بانوان از ۳۰ سالگی به بعد اثبات شده است. قدرت باروری مردان از ۳۵ سالگی به بعد رو به افول می‌گذارد و در ٤٥ سالگی به شدت کاهش می‌یابد. با بالا رفتن سن حتی در صورت باروری احتمال ابتلای نوزاد به بیماری جسمانی و روانی و اختلالات کرومزومی افزایش می‌یابد (اشرفی، ۱۳۹۲).

۲- بوجود آمدن مشکلات بعد از ازدواج: ازدواج در دوره جوانی دوم موجب می‌شود که فرد نتواند از لحاظ احساس عاطفی مثل یک جوان عشق، علاقه، شور و شعف را به همسر خود القا کند و اصولا با مسائل به صورت منطقی و به دور از احساس و بی‌روح برخورد می‌نماید. این امر برای همسر عامل نگران‌کننده و ناخوشایندی است. و موجب جدل و درگیری می‌شود. با افزایش سن، عموما از جنبه‌های احساسی و عاطفی افراد کاسته شده و جنبه های عقلانی به معنای محاسبه‌گری شدت می‌یابد (غیاثی وهمکاران، ۱۳۸۹).

وقتی دو نفر با همدیگر ازدواج می‌کنند، برای رسیدن به تفاهم، باید روحیه انعطاف‌پذیری در آنها وجود داشته باشد. به همین دلیل سال‌های اولیه زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این در حالی است که

دختران و پسران با طی کردن دوران نوجوانی و بالا رفتن سنشان خصوصیات شخصیتی در آنها تثبیت می‌شود. و تغیر و نزدیک شدن به همدیگر بعید به نظر می‌رسد (ایمانی، ۱۳۷۹).

۳- وسواس یا بی‌دقتی در انتخاب همسر: هر چند دقت در انتخاب و توجه به معیارهای مهم همسرگزینی، امری لازم و ضروری در رضایت از زندگی و استحکام نهاد خانواده است و خیلی مواقع طلاق‌ها به خاطر کم‌توجهی یا بی‌دقتی به این معیار ها ناشی می‌شود. اما با بالا رفتن سن در دختران و پسران توجه به معیار های غیرضروری و یا وسواس‌گونه در آنها به وجود می‌آید. سخت‌گیری در انتخاب و وسواس و تردید آن چنان بالا می‌رود که کمتر کسی را واجد خصوصیات می‌دانند که با آن ازدواج کنند. آنها فکر می‌کنند حالا که وقت را از دست دادهایم باید کسی را انتخاب کنیم که بتوانیم زندگی ایده‌آل را با او تجربه کنیم (همان).

٤- بوجود آمدن تعارضات زناشویی و گسترش طلاق: با افزایش سن، شخصیت افراد هر چه بیشتر قوام یافته و انعطاف‌پذیری که لازمه سازش و سازگاری زن وشوهر می‌باشد کاهش می‌یابد (غیاثی وهمکاران، ۱۳۸۹). یافته‌های پژوهش میر احمدی زاده و همکاران (۱۳۸۲) نشان می‌دهد که سن ازدواج عامل مهمی در تداوم ازدواج می‌باشد. به بیان دیگر، همان طور که هر چه سن ازدواج پائین‌تر باشد، احتمال از هم گسیختگی خانواده بیشتر می‌شود. در عین حال ازدواج در سنین بالاتر نیز خطر طلاق را افزایش می‌دهد.

۵-کیفیت زناشویی: کیفیت زناشویی بیشتر، با افسردگی کمتر، سلامت گزارش شده بهتر، بیماری‌های فیزیکی کمتر، و دیگر پیامدهای مثبت در رابطه همراه است (الن دورف، ۲۰۱۲) [1] بی شک یکی از مهم‌ترین عوامل تعین‌کننده کیفیت زندگی زناشویی، سن ازدواج می باشد (همان). برخی دانشمندان معتقدند که ازدواج مانند رشد انسان است که اگر به تأخیر بیفتد، همانند انسان در دوره کهنسالی ضعف‌های به همراه خواهد آورد که کیفیت زندگی را دچار اختلال می کند (وایت، ۲۰۰٦) [2]

٦- فرار از خانه: فرار از خانه یکی از معضلات اجتماعی است که نسبت دخترها و پسرها تقریبا مساوی است. هر چند عوامل مختلفی در آن دخالت دارد. اما با توجه به اینکه ۷۲ درصد دختران فراری بین ١٦ تا ۲۵ سال داشتند. تجزیه وتحلیل‌ها نشان می‌دهد که در کنار موارد اختلاف خانوادگی، خشونت والدین، بی‌سرپرستی، فقر و پائین بودن سطح فرهنگ خانواده درصد قابل توجهی از دختران فراری کسانی هستند که

1 .Allendorf, k

2

- waite, R

علی‌رغم نیاز شدید آن‌ها به ازدواج و داشتن خواستگارهای متعدد، والدین‌شان با ازدواج آنها مخالفت کرده اند (معظمی، ۱۳۸۲، ص۸۳).

۷- افزایش فساد و انحرافات در جامعه: انحرافات اخلاقی و اجتماعی جوانان از نظر نوع انگیزه با بزرگسالان تفاوت اساسی دارد. بر اساس یافته‌ها، افراد بزرگسال و کسانی که نقش آنان تا حدودی در خانواده و جامعه احراز شده است، اگر اقدام به عمل خلاف می‌کنند مثلا دست به خودکشی، خانه‌گریزی و روابط جنسی با دیگران می‌زنند، ممکن است به خاطر مشکلات اقتصادی، عدم رضایت از زندگی خود و فزون-خواهی باشد. اما بخش عمده انحرافات جوانان ریشه در نیازهای عاطفی و جنسی آنها دارد که به خاطر محرومیت و فراهم نبودن شرایط ارضای مشروع آن، به جستجوی راه‌های دیگر برای رسیدن به خواسته‌ها و آرزوهای خود بر می‌آیند (شجاعی، ۱۳۸۸). در تحقیقی که به منظور بررسی اقدام بر خودکشی بر روی ٦۹۰ مورد پرونده انجام شد، مشخص شد که میزان خود کشی بین ١٦ تا ۳۰ سال بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است. بخش قابل توجهی از آنان از ازدواج ناکام مانده یا ناموفق بوده‌اند (تقوی، ۱۳۸۳). در تحقیقی که به منظور بررسی عوامل زمینه‌ساز تن دادن زنان به روسپی‌گری برروی ١٤٧ زن و دختر انجام شده است، نشان داده است که ۰/٦۲ این دختران فراهم نبودن شرایط ازدواج و بی‌توجهی و مخالفت والدین آنها با ازدواجشان را علت این اقدام دانسته اند (جمعی از مولفان، ۱۳۸۳، ص ٥٦).

۱-۳. پرسش‌های اصلی و فرعی پژوهش

۱-۱-۳. پرسش اصلی

سطح تحصیلات، درآمد اقتصادی و جهت‌گیری مذهبی چه میزان از واریانس سن ازدواج در دختران وپسران را تبیین می‌کند؟

۲-۱-۳. پرسش‌های فرعی

۱- آیا بین سطح تحصیلات با بالا رفتن سن ازدواج در دختران و پسران رابطه وجود دارد؟

۲- آیا بین درآمد اقتصادی با بالا رفتن سن ازدواج در دختران و پسران رابطه وجود دارد؟

۳- آیا بین جهت‌گیری مذهبی با بالا رفتن سن ازدواج در دختران و پسران رابطه وجود دارد؟

۱-٤. فرضیه

۱-۱-٤. فرضیه اصلی

سطح تحصیلات، درآمد اقتصادی و جهت گیری مذهبی پیش بینی کننده بسن ازدواج در دختران و پسران است.

۲-۱-٤. فرضیه‌های فرعی

الف: بین سطح تحصیلات و سن ازدواج در دختران و پسران رابطه وجود دارد.

ب: بین در آمد اقتصادی و سن ازدواج در دختران و پسران رابطه وجود دارد.

ج: بین جهت‌گیری مذهبی و سن ازدواج در دختران و پسران رابطه وجود دارد.

۱-۵. اهداف تحقیق

۱-۱-۵. هدف اصلی

- شناسایی نقش سطح تحصیلات، درآمد اقتصادی، جهت‌گیری مذهبی بر سن ازدواج در دختران و پسران است.

۲-۱-۵. اهداف فرعی

- شناسایی رابطه سطح تحصیلات و سن ازدواج در دختران و پسران است.
- شناسایی رابطه درآمد اقتصادی و سن ازدواج در دختران و پسران است.
- شناسایی رابطه جهت‌گیری مذهبی و سن ازدواج در دختران و پسران است.

۱-٦. تعریف مفهومی وعملیاتی

۱-۱-٦. سن ازدواج

تعریف مفهومی: منظور از سن ازدواج پایه سنی، که معمولا همزمان با بلوغ جنسی، یا اندکی پس از آن تعین می‌گردد و معمولا افزون بر بلوغ جنسی باید فرد توانمندی لازم برای اداره امور خانواده را داشته باشد. به تعبیری، به بلوغ عقلی، فکری و اقتصادی رسیده باشد. به‌گونه‌ای که فرد بتواند در نظر عرف و قانون، مسؤلیت تعهدهای خویش را در قبال دیگران بپذیرد. بدین ترتیب سن ازدواج در هر جامعه ای بر حسب شرایط محیطی، اقتصادی، و فرهنگ آن جامعه تبیین می‌گردد (بستان، ۱۳۸۳ص۲۱)

تعریف عملیاتی: سن تقویمی که درآن دختر و پسر مبادرت به ازدواج می‌کنند و به صورت قانونی و شرعی به ازدواج همدیگر در می‌آیند را سن ازدواج گویند .

۲-۱-٦. سطح تحصیلات

تعریف عملیاتی: در این پژوهش به میزان تحصیلات فرد در نظام آموزشی اشاره دارد و یا مدرک تحصیل اخذ شده توسط زوجین از مدارس یا دانشگاهها ویا مؤسسات آموزشی عالی و. . . گفته می‌شود.

۳-۱-٦. درآمد اقتصادی

تعریف عملیاتی: در این پژوهش به میزان عایدی هر یک از زوجین، که در طول یک ماه کسب می‌کنند گفته می‌شود.

٤-۱-٦. جهت‌گیری مذهبی

تعریف مفهومی: جهت‌گیری مذهبی به قرار بخشیدن به ساختار روابط و مناسبات در تمام ابعاد آن، در پرتو رابطه انسان با خدا تعریف می‌شود (کیانی، ۱۳۸۹).

تعریف عملیاتی: جهت‌گیری مذهبی نمره‌ای است که فرد در آزمون خودشناسی بر اساس جهت‌گیری مذهبی اسلامی که توسط دکتر آذربایجانی (۱۳۸۵) ساخته شده است بدست می‌آورد.

فصل دوم
مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مقدمه فصل

در این فصل به بیان تعاریفی از ازدواج و جهت‌گیری مذهبی پرداخته می‌شود و در ادامه کارکرهای ازدواج بیان می‌شود. همچنین در ادامه به بیان سن ازدواج و عوامل بالا رفتن سن ازدواج پرداخته می‌شود و در آخر پیشینه پژوهش بیان می‌گردد.

۲-۱. تعاریف ازدواج

در بینش اسلامی ازدواج پیوند زناشویی رسمی میان دو جنس مخالف است که معمولا بالغ بوده و طبق شرایط شرعی و قانونی لازم انجام گرفته است (افروز، ۱۳۸۱، ص ۱۵).

نوابی‌نژاد (۱۳۷٦) ازدواج را فرایندی حاصل از تعامل بین زن و مرد می‌داند که تحت شرایط و مراسم قانونی، شرعی و عرفی برگزار می‌شود و عمل آن توسط شرع و قانون و تشکیلات اجتماعی پذیرفته شده است.

ساروخانی (۱۳۷۰) ازدواج را فرایندی می‌داند که از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به طور کلی عمل آنها مورد پذیرش قانون قرار گرفته و به آن ازدواج اطلاق شده است.

معین(۱۳۸۲) ازدواج رابطه حقوقی است که برای همیشه یا مدتی معین به وسیله عقد مخصوص بین زن و مرد حاصل شده و به آنها حق می‌دهد از همدیگر تمتع جنسی ببرند

موسوی زنجانی (۱۳۹۱) با استفاده از کلمه نکاح به جای ازدواج بدین صورت تعریف می‌کند:

نکاح عبارت است از تراضی زن ومرد برای تشکیل زندگی خانواده.

نکاح عبارت است از تراضی زن و مرد برای تشکیل زندگی مشترک.

نکاح عبارت است از توافق زن ومرد برای تمتع جنسی.

ازدواج یکی از اشکال وصلت نکاحی است. وصلت‌های نکاحی یا زناشویی، به هر وصلت ثابت متشکل از دو جنس اشاره دارد. در ازدواج، زوجین از طریق مراسم، وصلت را قانونی می‌کنند. دائمی بودن وصلت قابل انتظار بوده و داشتن فرزند در چنین وصلت‌های دارایی مشروعیت قانونی و اجتماعی است (لوکاس و میر[1]، ۱۳۸۱، ص ۱۲٤).

ازدواج یک رابطه مبتنی بر شکیبایی بین یک زن و مرد بالغ به عنوان دو فرد منحصر به فرد است (جووا و بهاتی[2]، ۲۰۰٦).

اما ازدواج از مفاهیمی است که فهم آن در میان جوامع از بدیهیات می‌باشد. مردم دنیا از ازدواج، رسیدن دو نفر مرد و زن به یکدیگر بر طبق ضوابط و قوانین خاص هر قومی را می‌فهمند که از بین تعاریف می‌توان تعریف رضوی و دیگران را به عنوان تعریف مورد قبول انتخاب کرد. زیرا ازدواج امری اجتماعی و حقوقی و زیستی بوده که در این تعریف بدان اشاره شده همچنین منظور از ازدواج در این پژوهش شکل دائم آن بوده گه در این تعریف لحاظ شده است.

به عقیده رضوی و دیگران (۱۳۸۱) ازدواج فرایندی از کنش متقابل بین یک مرد و یک زن، برخورداری دراماتیک بین فرهنگ (قواعد اجتماعی) و طبیعت (کنش جنسی) و پیوند دائمی میان دو جنس مخالف می‌داند. که در یک چهار چوب رسمی و قانونی مجاز به برقراری مناسبات جنسی می‌باشند.

۲-۲. کارکردهای ازدواج

ازدواج به خاطر دارا بودن کارکردهای ایجابی و سلبی در حوزه‌های فردی، اجتماعی و معنوی به عنوان یک پدیده مهم در زندگی انسان محسوب می‌شود. از نظر ایجابی زمینه رشد و تکامل و از نظر سلبی زمینه پیشگیری از وقوع انحراف در فرد و به خطر افتادن سلامت روان و به تبع سلامت جامعه را فراهم می‌آورد (شجاعی، ۱۳۸۸).

داشتن کارکردهای متعدد و مهم در ازدواج باعث شده است علوم متعدد به بررسی ازدواج و کارکردهای آن بپردازند. از دیدگاه جامعه‌شناسی ازدواج یک قرارداد اجتماعی است و ضامن بقای نسل انسان است و آرامش و امنیت در جامعه نتیجه ازدواج سالم و محیط آرامش بخش خانواده است. از دیدگاه روان‌شناسی ازدواج یکی از بالاترین ترکیبات روانی را در بردارد. از نظر پزشکی بیشترین ضایعات انسانی و بیماری‌ها متوجه افراد

1. Locas, H
2. Juvv, R

مجرد است و سهم ازدواج در آن حائز اهمیت است. از نظر علمای اخلاق ازدواج می‌تواند از اشاعه فحشا و فساد و رفتارهای ناپسندی که پیامد مستقیم، عنان گسیختگی غرائز جنسی است جلوگیری کند و یکی از پایه‌های حفظ سلامت جامعه است. در اسلام علاوه بر تمام این ویژگی‌ها ازدواج راهی است که انسان را به کمال می‌رساند (فضل‌اللهی قمشی، ۱۳۹۷).

از مهم‌ترین کارکردهای روان شناختی ازدواج می‌توان به این موارد اشاره کرد.

۲-۲-۱. آرامش وامنیت خاطر

یکی از مهم‌ترین نیازهای که در پرتو ازدواج برآورده و تأمین می‌گردد نیاز به آرامش و تامین خاطر است. این نیازی است که در سرشت انسان ریشه دارد (احمدپناهی، ۱۳۸۷) و چنان قابل توجه است که خداوند در قرآن کریم آرامش خاطر از طریق ازدواج را یکی از نشانه‌های خود معرفی می‌کند و می‌فرماید از نشانه‌های خداوند این است که از جنس خودتان برای شما همسرانی آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌ای است برای گروهی که تفکر می‌کنند. [1]

و در آیه دیگر تعبیری نزدیک به همین مضمون دارد و می‌فرماید اوست است که شما را از یک نفس بیافرید و همسر او را از جنس او آفرید تا با اوآرامش بیابد. [۲] این دو آیه به صراحت یکی از فلسفه‌های ازدواج را آرامش بخشیدن می‌داند که خداوند آن را از موهبت‌های خود می‌داند.

یکی از دلایل آرامش بخشی ازدواج به این دلیل است که مرد و زن مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی یکدیگرند، هریک بدون دیگری ناقص می‌ماند و چون هر نقصی شوق به کمال دارد. و هر نیازمندی میل طبیعی برای رفع نیاز دارد، طبیعی است میان یک موجود و مکمل او جاذبه نیرومند و میل طبیعی وجود دارد که با رسیدن به آن احساس آرامش می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۹).

دلیل دیگر این است که انسان در اثر زندگی روزمره و حوادث دچار خستگی روحی و جسمی، تلاطم، اضطراب، استرس و تنش می‌شود. خداوند برای جبران این خستگی‌ها و برطرف شدن این اضطراب‌ها و تنش‌ها عواملی برای سکون، استراحت و آرامش قرار داده است. بعضی از این عوامل برای تعادل حیاتی و زندگی اجتماعی انسان ضروری هستند و بعض دیگر موجب تعالی روحی فرد می‌شوند (فقیهی، ۱۳۸۱).

---

[1] - ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها وجعل بینکم موده ورحمهٔ (روم،۲۱)

[۲] – هو الذی خلقکم من نفس واحده وجعل منهازوجا لیسکن الیها (اعراف، ۱۸۹)

یکی از عوامل آرامش،که برای تعادل حیاتی و ارضای نیاز صمیمیت، انسان به آن نیاز دارد ازدواج و اختیار همسر است (سالاری‌فر ۱۳۸۸، ص ۳۲).

رسیدن به آرامش بواسطه ازدواج، هم از نظر جسمی و روحی هم از نظر فردی و اجتماعی است. از نظر جسمی چون که با ترک ازدواج و عدم ارضای غریزه جنسی تعادل حیاتی انسان به هم می‌خورد (کوهساری، ۱۳۸٤). و از نظر روحی ازدواج تأمین کننده نیاز به پیوند جویی است. زن و مرد که با هم ازدواج کرده‌اند محرک مثبت برای همدیگر به شمار می‌روند، هنگام بروز مشکلات رفیق و حامی یکدیگرند (سالاری‌فر، ۱۳۸۸). به همدیگر محبت می‌ورزند و یکدیگر را محرم اسرار و تکیه‌گاه خود میدانند (بستانی و همکاران، ۱۳۸۸). با پیوند به هم ناراحتی ناشی از عدم اطمینان به آینده را کاهش می‌دهند و در رابطه آنهابا همدیگر نیاز به توجه در ضمن ستایش و تمجید از همدیگر برآورده می‌شود و در پرتو آن به احساس امنیت و آرامش رسیده و از تشویش و اضطراب دور خواهند ماند (سالاری فر، ۱۳۸۸).

در واقع این دو به گونه‌ای نیازمند به یکدیگر آفریده شده که نیازهای جسمی و عاطفیشان با تعامل با یکدیگر تأمین می‌شود و یک وجود تام را تشکیل می‌دهند به همین دلیل به هم گرایش و تمایل دارند و وقتی به هم می‌رسند و نیازهایشان رفع می‌گردد آرام می‌گیرند (طباطبایی، ۱۳۷۹ج ۱٦ص۲۳۰)

ازدواج بستر مناسبی برای تأمین نیازهای دلبستگی، ایمنی و آرامش و حمایت روانی زن و شوهر است (سالاری فر، ۱۳۸۸). حمایت مادی و روانی زن و شوهر از هم در هیچ رابطه انسانی با این عمق و شدت دیده نمی‌شود. می‌توان گفت در میان انسان‌ها رابطه عاطفی که میان زن وشوهر برقرار می‌شود، در کاهش نگرانی‌ها، اضطراب‌ها وآشفتگی‌ها نقش اساسی دارد به طوری که خانواده منبع مهمی برای تأمین حمایت روانی و عملی در مقابل تنش شناخته شده است (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۳٤).

اما بدیهی است که منظور این آیه (۲۱ روم) این نیست که خداوند به طور جبری و تکوینی و بدون وجود اسباب اختیاری چنین محبتی را میان دو همسر ایجاد می‌کند، بلکه وقتی زن و مرد پیمان همسری بسته و در کنار هم زندگی کنند، به تدریج در بین آنها عواطف خاصی نسبت به یکدیگر بوجود می‌آید. پیدایش این عواطف هم در تکوین و هم در تشریع مورد نظر پروردگار است. زن و مرد بر اساس محبت و رحمت روز به روز عواطف و دوستی‌هایشان بیشتر شده فضای آرام و با محبت را که آرامش بخش است پدید می‌آورند (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص٤۳).

بنابراین، همسرگزینی موجب آرامش خاطر و امنیت دل است. و جوان را که در اوایل جوانی با احساس تنهایی، بیهودگی و نداشتن پناهگاه عاطفی دست به گریبان است با ازدواج به جایگاه امن رهنمون می‌شود و